

پیاپی‌موری

بلندترین و کوتاه‌ترین سگ‌های جهان در گینس



نمایندگان کتاب رکوردهای گینس نام دو سگ را به عنوان کوتاه‌ترین و بلندترین سگ‌های جهان در این کتاب به ثبت رساندند. به گزارش ایسنا، «جرج غول‌پیکر» نام سگی از تیره «دین» است که از بینی تا دمش ۲۲۰ سانتیمتر طول دارد. وزن این سگ ۱۱۱ کیلوگرم است و لقب سنگین‌ترین و بلندترین سگ دنیا را از آن خود کرده است. «ویوو» نیز با قدی حدود ۱۰ سانتیمتر کوتاه‌ترین سگ جهان است. نام این دو سگ در یک جشن در نیویورک به عنوان بلندترین و کوتاه‌ترین سگ‌های جهان در کتاب رکوردهای گینس به ثبت رسید.

زنی به این دلیل که شوهرش به جای خرید لباس نو البسه مستعمل مادر و خواهرش را به او می‌دهد به دادگاه رفت و درخواست طلاق کرد. به گزارش فارس این زن به قاضی شعبه ۲۳۸ دادگاه خانواده شهید محلاتی گفت: من دیگر نمی‌توانم با خساست شوهرم کنار بیایم و می‌خواهم از او جدا شوم. شوهرم هیچ خریدی برایم نمی‌کند و لباس‌های خواهر و مادرش را برای هر مهمانی به من می‌دهد. من از یک خانواده متمول هستم ولی شوهرم با اینکه این موضوع را می‌داند و خودش وضع خوبی دارد با من اینچنین رفتار می‌کند. وی ادامه داد: او به من چشم یک کارگر نگاه می‌کند و فکر می‌کند وظیفه دارم در خانه کار کنم و هیچ خواسته‌ای از او نداشته باشم ولی من دیگر نمی‌توانم این رفتارها را تحمل کنم و طلاق می‌خواهم. پس از اظهارات این زن شوهرش او را دروغگو خواند و به قاضی دادگاه گفت: «من تا به حال همه چیز برای همسرم تامین کرده‌ام و وسایل خواهر و مادرم را با اصرار آنها به همسرم می‌دهم چراکه آنها زنم را دوست دارند. من زنم را طلاق نمی‌دهم و از او می‌خواهم چشمش را نسبت به زندگی مشترک‌مان بیشتر باز کند». بنا بر این گزارش قاضی دادگاه صدور حکم در خصوص این پرونده را به آینده موکول کرد.

زن گل و گیاه حیاط خانه را به شوهرش ترجیح می‌داد

مردی که مدعی است همسرش فقط به گل و گیاه‌های رسیدگی می‌کند و توجهی به او ندارد خواستار پایان دادن به زندگی مشترک‌شان شد. به گزارش فارس این مرد ۴۵ساله با مراجعه به دادگاه خانواده شهید محلاتی دادخواست جدایی خود را به قاضی شعبه ۲۴۵ ارائه داد و گفت: همسرم آنقدر به گل و گیاه حیاط خانه‌ام می‌رسد که مرا فراموش کرده است. او با بیان اینکه همسرش نسبت به گل و گیاه حیاط وسواس پیدا کرده است، ادامه داد: همسرم بچدار نمی‌شود ولی من نیز تا به امروز به او شکایتی نکرده‌ام و تنها خواسته‌ام این است که به من هم به اندازه گل و گیاه اهمیت بدهد. وی ادامه داد گل و گیاه زندگی ما را مختل کرده است و من باید از همسر جدا شوم چرا که او مرا درک نمی‌کند. بنا بر این گزارش قاضی رسیدگی به پرونده پس از شنیدن اظهارات مرد میانسال همسر او را به دادگاه احضار کرد.

کوچک‌ترین گاو دنیا

نمایندگان کتاب رکوردهای گینس اعلام کردند یک گاو با ۸۴ سانتیمتر قد کوتاه‌ترین گاو در دنیاست. به گزارش آسوشیتدپرس، این گاو ۱ ساله که «سوالو» نام دارد، در غرب «یورکشایر» در انگلستان زندگی می‌کند. صاحب این گاو گفت: این گاو کوتاه‌قد ۸۴ سانتیمتری تاکنون ۹ بار گوساله‌هایی با وزن و اندازه طبیعی به دنیا آورده و هم‌اکنون برای دهمین بار باردار است. نمایندگان کتاب رکوردهای گینس نیز اعلام کردند جوان‌ترین گوساله این گاو از او بلندتر است.

اعتیاد دختر دوساله به حبشیش

پلیس امریکا مادر یک دخترپهجه دوساله را به اتهام استعمال حبشیش توسط کودک خردسالش دستگیر و روانه زندان کرد. به گزارش ایسنا، «جسیکا همبل» ۲۱ساله در بازجویی‌ها به پلیس گفت برای آنکه دخترش بپزند و شاد باشد به او حبشیش می‌داد. بر اساس اعلام دادگاه منطقه «سین‌سیناتی» ایالت «وهایو» در امریکا اگر جرم این زن اثبات شود وی به اتهام خوراندن مواد مخدر به دخترش و مخفی کردن این موضوع از پلیس به ۱۱ سال حبس محکوم می‌شود. «جوزف دیتزر» بازپرس ویژه در این باره گفت: فیلم ویدئویی که از این زن گرفته شده نشان می‌دهد وی چگونه استعمال حبشیش را به کودک دوساله خود آموزش داده است.

خبر

۶۰ کشته در پی انفجار کار خانه مهمات‌سازی در سرلانکا

گروه حوادث: انفجار در یک کارخانه مهمات‌سازی در سریلانکا، بیش از ۶۰ کشته بر جای گذاشت. به گزارش آسوشیتدپرس، «لاکشانم هولوگالا» سخنگوی ارتش سریلانکا در این‌باره گفت: این حادثه در ناحیه «پاتیکالوا» در کارخانه تولید دینامیت صنعتی رخ داد. به گزارش ایسنا در این حادثه بیش از ۶۰ تن از جمله تعداد زیادی مامور و افسر پلیس و دو کارگر ساختمانی، اهل چین کشته شدند و به کارخانه نیز آسیب جدی وارد شد. در گزارش اورژانس این منطقه آمده است که دلیل وسعت انفجار امکان افزایش تلفات وجود دارد.

گروه حوادث:

یک جسد و زنی جوان که ظواهر نشان می‌دهد به بیماری روانی مبتلاست معمایی پیچیده را پیش‌روی کارآگاهان جنایی قرار داده‌اند و پلیس هنوز نتوانسته است ارتباط بین این دو را به طور دقیق روشن کند و از جنایت مرموز پرده بردارد. چند روز قبل اهالی خیابان شهید دستغیب مشهد به صحنه‌ای عجیب و غیرمنتظره مواجه شدند.

زنی جوان که یک پتو دور خودش پیچیده بود در خیابان جلوی رهگذران را می‌گرفت و با حرکاتی غیرمتعارف مرتب این جملات را تکرار می‌کرد: «من قاتل هستم. من پدرم را کشته‌ام». ناظران ابتدا موضوع را جدی نگرفتند اما وقتی احساس کردند رفتارهای بیمارگونه این زن برای علیران مزاحمت ایجاد می‌کند موضوع را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع دادند و به این ترتیب زن جوان به کلانتری سناباد منتقل شد تا ماموران به پرس و جو از او بپردازند و ببینند چرا وی خودش را قاتل می‌نامد و اگر حرف‌هایش صحت دارد چه کسی را کشته است. این زن وقتی در برابر ماموران قرار گرفت بدون اینکه خودش را معرفی کند یا به سوالاتی پاسخ بدهد باز هم همان جملات قبلی را تکرار و ادعا کرد فردی را کشته است. به نظر می‌رسید این ادعا بیشتر از آنکه به واقعیت نزدیک باشد زانیده یک ذهن بیمار است. نشانه‌های بیماری روانی در مظنون و همچنین گزارش نشدن وقوع هیچ قتلی در آن روز باعث شد ماموران زن جوان را به یک مرکز روانپزشکی بفرستند و او در آنجا بستری شود. چند ساعت بعد از این واقعه بار دیگر یکی از اهالی خیابان شهید دستغیب با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و این بار از یک جنایت خبر داد. محل قتل قطعی سموم یک ساختمان مسکونی بود. کارآگاهان زمانی که به محل اعلام‌شده رفتند خود را در برابر جنازه مردی میانسال به نام جواد دیدند که کف یکی از اتاق‌ها افتاده بود و هیچ اثر و نشانه‌ای از جراحات و درگیری روی پیکر قربانی وجود نداشت و معلوم نبود او چگونه به کام مرگ فرو رفته است. در حالی که ماموران مشغول صورت‌گرفته حاکی از آن بود که جواد چشم‌شان به انگشت سیابه دست راست متوفی افتاد که با استمپ، آبی شده بود و نشان می‌داد جواد به تازگی پای سندی را انگشت زده است. انگشت آبی معمایی مرگ مرد میانسال را پیچیده‌تر از پیش کرد و کارآگاهان این بار درصدد برآمدند اسرار زندگی خصوصی او را بر ملا کنند. تفحص‌های صورت‌گرفته حاکی از آن بود که جواد به رغم داشتن سه فرزند به خاطر مشکلات خانوادگی از همسرش جدا شده و به تنهایی زندگی می‌کرد. از سوویی در میان حلقه دوستان او کسی نبود که با وی خصومت داشته باشد. این اطلاعات در حالی در پرونده مرگ مرموز جواد ثبت شد که همه شواهد نشان می‌داد اگر او کشته شده باشد بی‌شک قاتل فردی آشنا بوده چرا که توانسته بدون هیچ مانع و مشکلی وارد آپارتمان او شود. علاوه بر این قرائن موجود گویای آن بود که در صورت اثبات فرضیه قتل بی‌شک عامل جنایت برای این

بفرستند و او در آنجا بستری شود. چند ساعت بعد از این واقعه بار دیگر یکی از اهالی خیابان شهید دستغیب با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و این بار از یک جنایت خبر داد. محل قتل قطعی سموم یک ساختمان مسکونی بود. کارآگاهان زمانی که به محل اعلام‌شده رفتند خود را در برابر جنازه مردی میانسال به نام جواد دیدند که کف یکی از اتاق‌ها افتاده بود و هیچ اثر و نشانه‌ای از جراحات و درگیری روی پیکر قربانی وجود نداشت و معلوم نبود او چگونه به کام مرگ فرو رفته است. در حالی که ماموران مشغول صورت‌گرفته حاکی از آن بود که جواد چشم‌شان به انگشت سیابه دست راست متوفی افتاد که با استمپ، آبی شده بود و نشان می‌داد جواد به تازگی پای سندی را انگشت زده است. انگشت آبی معمایی مرگ مرد میانسال را پیچیده‌تر از پیش کرد و کارآگاهان این بار درصدد برآمدند اسرار زندگی خصوصی او را بر ملا کنند. تفحص‌های صورت‌گرفته حاکی از آن بود که جواد به رغم داشتن سه فرزند به خاطر مشکلات خانوادگی از همسرش جدا شده و به تنهایی زندگی می‌کرد. از سوویی در میان حلقه دوستان او کسی نبود که با وی خصومت داشته باشد. این اطلاعات در حالی در پرونده مرگ مرموز جواد ثبت شد که همه شواهد نشان می‌داد اگر او کشته شده باشد بی‌شک قاتل فردی آشنا بوده چرا که توانسته بدون هیچ مانع و مشکلی وارد آپارتمان او شود. علاوه بر این قرائن موجود گویای آن بود که در صورت اثبات فرضیه قتل بی‌شک عامل جنایت برای این

پس از هفت ماه تحقیقات پلیسی فاش شد مرد مغازه‌دار راز ناپدید شدن کارگر سابقش را می‌دانست

گروه حوادث: هفت ماه تحقیقات پلیسی راز ناپدید شدن مرد جوان را فاش کرد و معلوم شد او به دست صاحبکار سابقش به قتل رسیده است. به گزارش خبرنگار ما ماموران کلانتری بومهن ساعت ۱۱ صبح روز ۱۲ اسفند سال گذشته پرونده‌ای را تشکیل دادند که مربوط به مفقود شدن مردی ۳۵ساله به نام رضا بود. آن طور که همسر این مرد می‌گفت رضا ساعت ۹ صبح روز ۲۲ بهمن‌ماه از خانه بیرون رفته و دیگر بازنگشته و در این مدت نیز هیچ خبری از او به دست نیامده بود. وقتی این پرونده در اختیار کارآگاهان اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت آنها با توجه به اینکه مدت‌زمانی نسبتاً طولانی از گم شدن رضا می‌گذشت به این نتیجه رسیدند که رضا یا جان باخته یا به خاطر اختلافات خانوادگی خانه‌اش را ترک کرده است و تصمیم نلارد از خودش خبری به همسرش بدهد. احتمال دوم به این سبب که زوج جوان هیچ مشکلی با هم نداشتند در همان بدو تحقیقات مردود دانسته شد و کارآگاهان در تلاش برای پی بردن به سرنوشت مرد ناپدیدشده تصمیم گرفتند به محل کار سابق این مرد بروند. ماموران طبق اطلاعاتی که به دست آورده بودند می‌دانستند رضا مدتی قبل از مفقود شدن در مغازه‌ای کار می‌کرد اما به خاطر اختلافات شغلی و همچنین میزان حقوقش آنجا را ترک

گروه حوادث: پرونده زندگی مردی که به اتهام آزار و اذیت ۱۶ دختر و زن جوان ورامینی به اعدام محکوم شده بود با طناب آبی‌رنگ دار بسته شد. به گزارش خبرنگار ما، راز جنایت‌های این جوان چشم‌آبی یکی از روزهای بهمن سال ۸۷ با شکایت خانواده دختری نوجوان در پلیس آگاهی ورامین فاش شد. پدر این دختر به ماموران گفت: ساعاتی قبل دخترم سمانه توسط پسری که چشم‌های آبی‌رنگی داشت با تهدید چاقو درزیده شد و به باغ متروک‌های انتقال یافت. جوان بی‌رحم در آنجا به دختر نوجوانم تعرض کرد و او را مورد آزار و اذیت قرار داد. پسر متجاوز دخترم را تهدید کرده است چنانچه ماجرا را برای کسی بازگو کند جانش به خطر خواهد افتاد. در پی این شکایت کارآگاهان پلیس آگاهی ورامین با کمک سمانه چهره فرضی متهم را ترسیم کردند. مهم‌ترین نشانه‌ای که قربانی این حادثه بر آن تاکید کرد رنگ چشم‌های متهم بود. بنابراین این نکته به عنوان مهم‌ترین سرنخ در اختیار گشت‌های ویژه پلیس قرار گرفت. با گذشت چند روز از این حادثه و در حالی که هیچ ردی از جوان تحت تعقیب وجود نداشت ماموران از تلاش

گروه حوادث: پلیس با انتشار تصاویر دو مامور قلابی که به بهانه خرید و فروش مواد مخدر، وسایل شهروندان را بازرسی و پول‌های آنها را سرقت می‌کردند، از مالباختگان احتمالی خواست به پلیس آگاهی مراجعه کنند. به گزارش خبرنگار ما، روز ۲۸ بهمن سال گذشته مردی سراسیمه خود را به کلانتری چیتگر رساند و از پلیس کمک خواست. او با بازگو کردن اتفاقی که برایش رخ داده بود، گفت: ساعت ۱۱/۳۰ در بلوار کرمان در نزدیکی جاده مخصوص کرج از بانکی مبلغ ۴۰۰ هزار تومان گرفتم. هنوز چند قدم از بانک دور نشده‌ بودم که یک دستسگاه خودرو پژوپارس مشک‌ی‌رنگ در کنارم ایستاد و سرنشینان آن که دو مرد قوی‌هیکل بودند خودشان را به عنوان پلیس معرفی کردند. آنها بدون آنکه کارت یا مدرک شناسایی دیگری به من نشان دهند، گفتند به من مظنون شده‌اند. یکی از آنان گفت: به ما گزارش شده فردی با مشخصات ظاهری شما خرید و فروش مواد مخدر می‌کند. به همین دلیل باید شما را بازرسی کنیم. آنها به این بهانه شروع به بازرسی وسایلم کردند و کیف دستی‌ام را که پول‌ها، کارت عابربانک و مدارک شخصی‌ام داخل آن بود روی صندلی خودروشان گذاشتند و من را به کنار دیوار بردند. در حالی که دست‌هایم را روی دیوار گذاشته و منظر بودم مرا بازرسی بدنی کنند ناگهان هر دو نفر

کمک وی تصویر یکی از متهمان را چهره‌نگاری کردند. آنها سپس با جست‌وجو در بانک اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار پی بردند مرد تحت تعقیب فرد سابقه‌داری از طایفه فیوج به نام جمشید است. بررسی سوابق جمشید نشان داد او پیش از این ۹ مرتبه به اتهام جعل عنوان و سرقت تحت پوشش مامور در تهران، کرج و اصفهان دستگیر و زندانی شده است. به گواه اسناد موجود جمشید آخرین مرتبه با سپردن وثیقه از زندان مرخصی گرفته و دیگر به آنجا برگشته بود. همچنین تحقیق بیشتر راجع به وی نشان داد اعضای خانواده او از جمله سه برادرش به نام‌های رشید، شیرزاد و مجید نیز از مجرمان سابقه‌داری هستند که به اتهام سرقت

حوادث

کار آگاهان در برابر معمای زنی روانی و جنایتی مرموز

کشتار برنامه قبلی طراحی کرده بود چرا که قتل‌های اتفاقی یا ناشی از مشاجره‌های لحظه‌ای با درگیری توام است حال آنکه به نظر می‌رسید جواد مسموم شده یا اینکه او را به طرز ماهرانه‌ای خفه کرده‌اند. افسران جنایی هنوز راه به جایی نبرده بودند که ماجرای زن روانی را از زبان همکاران خود در کلانتری سناباد شنیدند و به موضوع مشکوک شدند.

همزمانی اقرار یک زن مرموز به قتل با کشف جسد مردی میانسال می‌توانست بیانگر ارتباط این دو واقعه باشد، به همین خاطر آنها بلافاصله به مرکز روانپزشکی رفتند تا از تنها مظنون پرونده بازجویی کنند اما زن ناشناس این بار مهر سکوت بر لب زد و کارآگاهان هر چه تلاش کردند او یک کلمه هم به زبان نیاورد. در شرایطی که این شاخه از تحقیقات به بن‌بست رسیده بود کارآگاهان بار دیگر رهسپار محل جنایت شدند. آنها که عکسی از زن روانی در دست داشتند آن را به اهالی ساختمان مورد نظر نشان دادند و تعداد زیادی از آنان تاکید کردند این زن را صبح روز قبل از کشف جسد در مجتمع دیده‌اند.

شهادت این افراد سوظن را نسبت به زن جوان بیشتر کرد و کارآگاهان در گام بعدی عکس را به دوستان جواد که به خانه وی رفت و آمد و رابطه صمیمانه‌ای با او داشتند، نشان دادند. در این جمع نیز افرادی پیدا شدند که گفتند اطمینان دارند زن مجهول‌الهویه را در آپارتمان جواد دیده‌اند. به این ترتیب رابطه بین متوفی

و زن روانی احراز شد اما هنوز مشخص نبود آیا واقعاً قتل به دست همین زن اتفاق افتاده است یا نه. کارآگاهان در این بین چند فرضیه مطرح کردند. با توجه به اینکه هیچ کدام از شاهدان قبلاً متوجه رفتارهای بیمارگونه مظنون نشده بودند و تصور نمی‌کردند او یک بیمار روانی باشد نخستین احتمال به این شکل مطرح شد که این زن کاملاً سالم است و فقط برای پنهان کردن اسرار جنایت تمارض می‌کند و قصد دارد مسیر تحقیقات را منحرف کند. در این صورت او پیش از اینکه طعمه‌اش را به کام مرگ بکشاند از وی رسید یا سندی گرفته و می‌توان این‌طور تصور کرد که انگیزه‌های مالی در میان است. فرضیه دوم این بود که زن جوان اگرچه قاتل است، تمارض نمی‌کند. یا قبل از جنایت بیمار بوده یا پس از آن به خاطر فشارهای روانی و عذاب وجدان دچار اختلالات روحی شده است. هیچ کدام از این فرضیه‌ها با توجه به اطلاعاتی که پلیس در دست داشت قابل تایید یا تکذیب نبود و حتی نمی‌شد با قاطعیت اعلام کرد مرد میانسال قربانی یک جنایت شده است، تا اینکه پزشکی قانونی بعد از کالبدشکافی جسد اعلام کرد جواد قطعاً به قتل رسیده است. به این ترتیب نخستین گره پرونده باز شد اما همچنان ابهام‌ها پابرجا ماند. بنا بر این گزارش در حال حاضر تیم ویژه‌ای از افسران مبارزه با قتل پلیس آگاهی مشهد سرگرم تحقیق پیرامون این پرونده معماگونه هستند و هنوز نتوانسته‌اند اسرار قتل را هویدا کنند.

ایسن درگیری با چاقویی که به همراه خود داشته ضربه‌ای بر گردن، توجیه خود و زدم و همین ضربه باعث مرگش شد. من که بسیار ترسیده بودم تصمیم گرفتم به هر شکل ممکن جسد را ناپدید کنم. برای همین پس از تکه‌تکه کردن جنازه، را در سه پلاستیک قرار دادم و در بیان‌های اطراف دماوند و در داخل پرتگاهی انداختم. کارآگاهان بعداز شنیدن اعترافات متهم به پرتگاه مورد نظر رفتند و بقایای جسد را پیدا و به پزشکی قانونی منتقل کردند. سرهنگ کار آگاه سعید لیاوی معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: با توجه به اعترافات صریح متهم در خصوص ارتکاب جنایت و کشف بقایای بازمانده از جسد و تاییدیه پزشکی قانونی در خصوص هویت مقتول، پرونده برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

ش.د. امیر ابتدا اتهام آزار و اذیت دخترهای نوجوان را انکار کرد اما پس از روبه‌رو شدن با طعمه‌هایش، لب به اعتراف گشود و اتهامش را پذیرفت. بازجویی از امیر هفته‌ها طول کشید تا سرانجام با تکمیل تحقیقات او روز ۲۸ آذر سال گذشته در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران به اتهام تجاوز به عنف، آزار و اذیت کودکان، ضرب و جرح با سلاح سرد و رابطه نامشروع مورد محاکمه قرار گرفت. متهم در جلسه محاکمه مدعی شد هیچ عمل خلافی انجام نداده و شاکیان او را با شخص دیگری اشتباه گرفته‌اند. انکارهای امیر برای رهایی‌اش کارساز نبود و در نهایت قضات او را به دو بار اعدام در ملاعام، ۲۵ سال حبس، ۱۷۳ ضربه شلاق و همچنین پرداخت دیه محکوم کردند. در ادامه پرونده به شعبه ۷ دیوان عالی کشور ارجاع شد و قضات این شعبه نیز رای دادگاه را تایید و به دادستانی ورامین ارسال کردند. در حالی که طبق حکم دادگاه قرار بود این جانی در ملاعام اعدام شود بنا بر گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، حکم اعدام امیر بامداد پنجشنبه بعد از طی مراحل قانونی در زندان ورامین اجرا شد و طناب آبی‌رنگ دار به زندگی وی پایان داد.

ماموران قلابی مبارزه با مواد مخدر، سارقان حرفه‌ای بودند

می‌کند در کمین وی نشستند. در جریان تلاش‌های پلیس، جمشید روز ۱۶ شهریور در حالی که همراه شخص دیگری به نام قربانعلی سوار یک دستگاه پژو پارس مشکی‌رنگ بود شناسایی شد. به این ترتیب جمشید که برای لحظاتی از خودرو پیاده شده بود با استفاده از اصل غافلگیری دستگیر شد اما قربانعلی که پشت فرمان نشسته بود تلاش کرد از آنجا فرار کند. در جریان این عملیات ماموران مجبور شدند برای متوقف کردن خودرو به سمت خودرو مرد فراری شلیک کنند اما با وجود پنجر شدن لاستیک‌های پژو، قربانعلی آن را راه و با پای پیاده شروع به فرار کرد. در این مرحله ماموران پاهای قربانعلی را هدف قرار دادند و سرانجام توانستند با مجروح کردنش، وی را بازداشت کنند. سرهنگ مهدی قزلباش معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر گفت: با دستگیری دو متهم، چند نفر دیگر که طعمه ماموران قلابی شده بودند آنجا را شناسایی کردند. همچنین از آنجا که ممکن است جمشید و قربانعلی با این ترند از افراد دیگری نیز سرقت کرده باشند بازپرس پرونده مجوز انتشار تصویر بدون پوشش آنها را صادر کرد. از این رو از افرادی که از دو مرد دستگیرشده شکایتی دارند دعوت می‌شود به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران با شعبه ۱۱ بازپرسی داسرای ناحیه ۱۰ تهران مراجعه کنند.

شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۸۹

حادثه‌ها

واژگونی جرثقیل ۵۵ تنی روی ساختمان مسکونی



یک جرثقیل ۵۵ تنی به علت بی‌احتیاطی و رعایت نکردن اصول ایمنی واژگون شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران این حادثه ساعت ۱۱/۰۳ پنجشنبه به سامانه ۱۲۵ اطلاع‌رسانی شد و بلافاصله آتش‌نشانان به سوی محل حادثه در آجودانیه، کوچه سپهر اعزام شدند. به گفته عابدین شجاعی‌پور افسر آماده منطقه سه عملیات آتش‌نشانی، در این حادثه یک دستگاه جرثقیل ۵۵ تنی هنگام کار به دلیل سست بودن خاک زیر یکی از جک‌ها تعادل خود را از دست داد و واژگون شد و بوم جرثقیل روی دو ساختمان مسکونی مجاور سقوط کرد. شجاعی‌پور افزود: آتش‌نشانان راننده جرثقیل را که در این حادثه مصدوم شده بود از داخل جرثقیل خارج کردند و برای اعزام به مرکز درمانی وی را به عوامل اورژانس تحویل دادند. آنان همچنین ساکنان ساختمان‌های آسیب‌دیده را از آن خارج کردند. بنا بر این گزارش امدادگران پس از ایمن‌سازی محل حادثه و ارائه تذکرات ایمنی در حضور عوامل شهرداری به ماموریت خود پایان دادند.

کشتار در بیمارستانی بزرگ در امریکا
گروه حوادث: یک مرد آمریکایی پس از گروگانگیری در بیمارستان مشهور جان هاپکینز در بالتیمور خود و مادرش را کشت. این مرد ۵۰ساله به نام وارن دیویس که مادرش در بیمارستان جان هاپکینز واقع در بالتیمور امریکا بستری بود روز پنجشنبه پس از آنکه فهمید پزشک معالج به خاطر تجویز اشتباهی، مادرش را برای همیشه فلج کرده است خشمگین شد و گلوله‌ای به شکم پزشک شلیک کرد. او سپس به طبقه هشتم نزد مادرش رفت. در این زمان صدها پلیس به بیمارستان هجوم بردند و برای دقایقی تلاش کردند تا با این مرد که گمان می‌رفت شماری از بیماران و پرستاران را گروگان گرفته است، صحبت کنند. سرانجام نیروهای ویژه به داخل اتاق مادر این مرد حمله بردند اما مادر و پسر را مرده یافتند. پلیس گفته است مرد مستاصل به زندگی خود و مادرش خاتمه داده بود. آنتونی گاجالامی سخنگوی بیمارستان جان هاپکینز در این رابطه گفت بخش‌هایی از این بیمارستان در پی وقوع گروگانگیری تخلیه شد و اوضاع خیلی زود تحت کنترل درآمد. ما برای چنین وضعیتی از قبل برنامه‌ریزی و تمرین کرده بودیم. خبرها حاکی است وضعیت جسمانی پزشکی که مورد حمله قرار گرفته، بحرانی است. بنا بر این گزارش بیمارستان جان هاپکینز با داشتن ۳۰ هزار بسترش، بیش از یک‌هزار تختخواب و افزون بر یک‌هزار و ۷۰۰ پزشک تمام وقت، از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های امریکا محسوب می‌شود.

لایرآتور مواد مخدر طعمه آتش شد
لایرآتور مواد مخدر در یک منزل مسکونی دچار آتش‌سوزی شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵، در ساعت ۲۰/۴ چهارشنبه و اعلام گزارشی مبنی بر وقوع آتش‌سوزی در منزلی مسکونی، آتش‌نشانان به محل حادثه واقع در خیابان شاهین شمالی اعزام شدند. آنها پس از حضور در محل مشاهده کردند آتش از اتاقی واقع در پشت‌بام درحالی که پر از مواد شیمیایی و مخدر بود، زبانه می‌کشد. آتش‌نشانان با توجه به حضور نداشتن مالک ساختمان در محل، پس از مجهز شدن به دستگاه تنفسی با استفاده از نردبان و به وسیله لوله‌های آبدهی آتش را خاموش کردند و پس از ایمن‌سازی محل، آن را تحویل عوامل نیروی انتظامی دادند.

دستگیری دو کیف‌فاپ یک ساعت پس از سرقت

گروه حوادث: دو کیف‌فاپ موتورسوار یک ساعت پس از آخرین سرقت، توسط پلیس اسلامشهر دستگیر شدند. سرهنگ علی قشقایی سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان اسلامشهر با اعلام این خبر گفت: ماموران نیروی انتظامی با تماس یکی از شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی «۱۱۰» در جریان سرقت کیفی توسط دو راکب موتورسوار در شهرک واوان قرار گرفتند. قشقایی افزود: پس از دریافت این گزارش، مشخصات ظاهری سارقان به تمامی قفره کشف‌های سطح حوزه اعلام شد و با اجرای طرح مهار دستگیری آنها در دستور کار ماموران قرار گرفت. وی تصریح کرد: سرانجام یک ساعت پس از اجرای طرح مهار، ماموران دو موتورسوار را با مشخصات اعلامی در حال تردد شناسایی کردند و به آنها دستور ایست دادند. قشقایی افزود: متهمان به محض مشاهده ماموران اقدام به فرار کردند. ماموران نیز به تعقیب آنها پرداختند و در نهایت موتورسیکلت مورد نظر را متوقف و در سرنشین آن را دستگیر کردند. وی افزود: در بازرسی از متهمان، کیف مالباخته حاوی وجه نقد و مدارک کشف و تحویل وی داده شد. سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان اسلامشهر افزود: سارقان در تحقیقات به چندین قفره کیف‌فابی از شهروندان در اسلامشهر اعتراف کردند و گفتند در ساتعی از صبح و بعدازظهر با استفاده از یک دستگاه موتورسیکلت در کوچه و خیابان‌ها تردد می‌کردند و با شناسایی سوزه‌های مناسب کیف آنها را به سرقت می‌بردند. قشقایی خاطرنشان کرد: پس از اخذ اعترافات متهمان با بررسی پرونده‌های موجود در پلیس آگاهی ۲۰ از شاکیان شناسایی شدند و تحقیقات برای شناسایی دیگر مالباختگان ادامه دارد.